

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

جاوید

۰۵ جون ۲۰۱۱

جنایتکاران طالبی و جنایتکاران شورای نظاری را با تمام قوت ونیرو محکوم نمائیم !

امروز فرصتی دست داد و سری به سایت بنیان شورای دیموکراسی زدیم که در آن نوشته ای از آقای باقی سمندر در باره حادثه تروریستی تخار و کشته شدن عده ای از قاچاقچیان معروف مواد مخدر چون جنرال ماشینی داوود- داوود قومندان زون ۳۰۳ پامیر و شاه جهان نوری قومندان امنیه ولایت تخار و غیره جنایتکاران درج گردیده بود. و طبق معمول مسؤولیت حمله را طالبان به عهده گرفته بودند.

آقای سمندر چنان هیاهویی در این مورد به راه انداخته است که تو گوئی پدر شورای نظاری خود را از دست داده و بار دیگر بعد از مرگ خابین معروف احمد شاه مسعود یتیم گردیده است. و اکنون خانقاه دوم بر مزار این قاچاقچی مواد مخدر چگونه اعمار کند تا مزار وی را نیز زیارتگاه اهل دل و عرفان (بخوان قاچاقچیان) بسازد.

آقای سمندر به زعم خود تاریخچه طالبان را نوشته و گفته است که طالبان « در هفده سالی که گذشت جز بربریت دهشت و کشتار فردی و جمعی و تفرقه اندازی میان مردم افغانستان چه چیزی را برای مردم افغانستان به بار آورده اند ؟ » و باز می نگارد که « آنچه را در جامعه تحکیم می کردند و پا بر جا می ساختند همانا زن ستیزی ، فرهنگ ستیزی، قتل و کشتار عام و در یک کلام تمدن ستیزی در عمق ستراتیژی پاکستان بود و است »

آقای سمندر دهشت و بربریت و کشتار نه از روز به وجود آمدن طالبان در همین ۱۷ سال بلکه از روزیکه امریکا تخمه نحس اخوان را در زاهدان چرکین آی اس آی گذاشت و از آن چوچه های جمیعتی ، گلبدینی، سیافی ، خالصی، مجددی، محمدی و غیره بیرون را آورد و در مکتب خیانت و جنایت آنها را پرورش داده و به اخوان مکتبی آنها را تحول داد، به وجود آمد و طالبان محصول بعدی همان تخمه نحس است. از تولد نا میمون اخوان تا امروز مردم ستمدیده ما با تمام گوشت و پوست خود ستم و بربریت و دهشت دست پروردگان امریکا را نه تنها حس بلکه هر روز آنرا تجربه می کنند .

آنچه اخوان چه نوع گلبدینی، جمعیتی، شورای نظاری، ویا نوع طالبی آن تا امروز در جامعه تحکیم کرده و می کنند زن ستیزی فرهنگ ستیزی و قتل و کشتار است که نه تنها توسط طالبان ضد علم و فرهنگ بلکه توسط برادران جهادی با فرهنگ شان نیز اعمال گردیده و بعد از این هم اعمال میگردد.

آقای سمندر یا چشمش کور است ویا خود را به کوری زده است که جنایت طالبان را می بیند و جنایت قاچاقچیان شورای نظاری را که چون از قوم و تبار خودش هستند دیده نمی تواند ببیند و اگر طالبان هم از قوم و تبار آقای سمندر می بود جنایتکار نه بلکه آدم های متمدن می بودند و جنایتی از آن ها سر نمی زد.

آقای سمندر می فرماید «یک عده ای دیگر با بی تفاوتی خود خویشتن را نظاره گر جلوه داده و این حادثه انتحاری را مانند ده ها حادثه دیگر به فال نیک مین گرد و برای به پیروزی رسیدن طالبان روز شماری می نمایند»

آقای سمندر نه دجال طالبی فرشته های آزادی اند که کسی برای پیروزی شان روز شماری کنند و آنرا به فال نیک بنگرند و نه دزدان و جنایتکاران سمت شمال و جهادی ها فرشته های صلح اند که مانند شما برای شان گلو پاره شود . این شرم آور است که «انسان» های چیز فهم کشور چون «دیوانه» ها از عناصر ارتجاعی به دفاع بر خیزند و کشته های شان را در جمله شهداء بشمارند. آقای سمندر آیا واژه ارتجاع به گوش تان آشنا است مگر جنرال داوود مربع نماد کامل ارتجاع نبود و نیست راستی کسانی که به راه مردم پشت می کنند معنی واژه ها نیز نزد شان دگرگون می گردد .

آقای سمندر یگانه نیروئی که برای پیروزی شان باید روز شماری گردد مردم افغانستان و جنبش آزادیخواهانه مردم است و بس . اینکه یک بخش نیروهای ارتجاعی و دست پرورده امپریالیست ها بخش دیگر نیروهای ارتجاعی را ترور می کند بهتر است که آقای سمندر این تضاد را در بین کشور های امپریالیستیست و جو کنند.

جنرال داوود یا شهید آقای سمندر از زمان اشغال افغانستان توسط امریکا و نیرو های ناتو تا وقت مرگ خود مصروف تجارت و قاچاق مواد مخدر بود (رسانه های المانی هم در زمانش این موضوع را افشاء کرده اند مراجعه شود به هفته نامه های اشپیگل) که با حمایت و تباری المان و امریکا قاچاق مواد مخدر به روسیه را کاملاً در انحصار وی قرار داده بودند تا رقیب امریکا را ضربه بزند و منابع مالی برای اسلامگرایان چیچنی فراهم بسازند. چنانچه مقامات روسی بار ها در این مورد اعتراض کرده اند و حتی یکی دوبار همراه امریکائی ها و نیروهای افغان نابودی نمایشی کشت زار های مواد مخدر را تماشا کرده اند . شورای دست نشانده و دیگر ارگان های قدرت از مداخله دوباره روس ها در افغانستان داد و فریاد به راه انداختند. ولی اینبار روس ها به همکاری اسلامگرایان از یک و یک بخش شورای نظار که از دوران اشغال افغانستان تا امروز باهم روابط تنگاتنگ دارند دست به کار شدند و جنرال داوود را کشتند تا مانع ورود غیر مجاز مواد مخدر در قلمرو خود شوند و ضمناً ضرب شستی به رقبای المانی امریکائی خود نشان داده باشند. آقای سمندر یک نیروی امپریالیستی مهره اساسی نیروی امپریالیستی رقیب را ترور می کند و شما داد و فریاد به راه می اندازید مثلی که پای شما نیز در جاهای اساس بنداست که فغان تان را تا آسمان بلند کرده است. آقای سمندر ترور خصلت ذاتی امپریالیست هاست نابودی امپریالیست ها روز نابودی ترور نیز خواهد بود.

آقای سمندر مانند تمام اپورتونیست ها در نوشتن نقل قول ها هم مشکل دارد و می خواهد مطابق ذهن بیمار خود آنرا تغییر دهد چنانچه می نویسد («من کلوخ ای را یرتاب مینامیم» و امیدوارم دیگران در گرانیها و جواهرات خود را به میدان سیاست بکشند و با ارایه طرح ها و دیدگاه ها بتوانیم به شکل وسیع تر و گسترده تر همه نیروهای ملی را که داعیه ملی - دموکراتیک.....)

مائوتسه دون به مناسبت انتشار مجله "فرهنگ چین" می نویسد:

[من در مسایل فرهنگی وارد نیستم، می خواهم این مسایل را مطالعه کنم ، ولی هنوز در آغاز کارم. خوشبختانه در "ین آن" رفقای بسیار ضمن مقالاتی این موضوع را به طور مفصل مورد بررسی قرار داده اند و نوشته زمخت و نتراشیده ام فقط می تواند به مثابه فتح باب تلقی شود. برای کارکنان فرهنگی پیشرو تمام کشور نوشته ما شاید گوشه هائی از حقیقت را نشان دهد و چون کلوخی است که پرتاب شده تا آنها گوهر خود را عرضه دارند. ما امیدواریم که با شرکت آنها در بحث به نتایج صحیحی که پاشح گوی نیاز مندی های ملت ما باشد ، برسیم . در باره دموکراسی نوین منتخب آثار جلد دوم صفحات ۵۰۵- ۵۰۶]

و در جای دیگر وقتی از استالین نقل قول می آورد بدون آنکه آنرا در گیمه جا دهد مانند آنکه گفتار خودش است باز هم آنرا ناقص ارائه می دارد و می خواهد گفتار دیگران را از خود بسازد و آنرا از مضمون انقلابی اش تهی بسازد که این کوششی است عبث ومانند خاک خشکی است که بر دیوار نمی چسبد.

«اگر می‌خواهیم در سیاست اشتباه نکنیم بایست به آینده بنگریم و نه اینکه گذشته گرا بوده و تمام هم و غم ما متوجه گذشته ها شده واز آینده نگری خود را بر حذر داریم.» آقای سمندر گذشته چراغ راه آینده است تا ما از گذشته و تجارب خود نیاموزیم و اشتباهات خود را اصلاح نکنیم نمی توانیم قدم مثبتی بگذاریم تنها کسانی از گذشته جمع بندی تجارب گذشته هراس دارند که دستان شان به خون هم‌زمان و هموطنان شان رنگین است.

استالین میگوید : [مارکسیست ها اشتباه نکردند که فعالیت خود را فقط متوجه پرولتاریا که رو به ترقی می رفت نمودند زیرا چنانچه می دانیم پرولتاریا در ابتداء نیروی نا چیزی بود رفته رفته رشد نموده ترقی کرد و به نیروی درجه اول سیاسی و تاریخی مبدل گشت .

بنابراین برای اینکه در سیاست اشتباه نکرده باشیم باید به جلو نگاه کنیم نه به عقب و چند سطر پایینتر نوشته است برای آنکه در سیاست اشتباه نکرده باشیم باید انقلابی بود نه اصلاح طلب]

تاریخ حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی سال ۱۹۳۸ در باره ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی صفحه ۱۸۰

اگر من روی تمام نوشته آقای سمندر مکث کنم مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد، با آن هم طرح این پرسش نمی تواند خالی از مفاد برای شناخت تاریخ افغانستان و روشنفکران خود فروخته ای از قماش باقی سمندر باشد:

وقتی آقای سمندر سابقه جنایت را به ۱۷ سال قیل بر می گرداند، به علاوه وطنفروشان شورای نظاری و اسلام مکتبی، دیگر چه کسانی را می خواهد از قضاوت تاریخ به دور نگه دارد؟

آیا این تاریخ گذاری تلاشی مذبحانه در جهت تبرئه جنایتکاران خلقی -پرچمی من جمله یار غار آقای سمندر "صمد ازهر" نمی تواند باشد؟؟